



## The Effectiveness of the Language Analysis Methods in Solving Judgement and Advocacy Dilemmas

**Mohammad Javad Sami**

Assistant Professor, Department of Law,  
Apadana Institute of Higher Education,  
Shiraz  
mjsami430@gmail.com

### Abstract

Maximum referral to therapy and judicial centers is the first issue of the Iranian people. The therapeutic, counseling, and judgement procedures with various social and legal aspects, and with numerous judges and lawyers have made responding to the clients a time-consuming job. Prolonging legal procedures is one of the main problems of the courts and is complained by the clients who seek justice. According to a statistical comparison of industrialized countries' counseling, health, and legal procedures, the number of Iranians referring to these institutes is numerous. As a result, specialized referrals to therapy centers and advocacy will be quite helpful in solving issues; it is essential to benefit from the right counselor or an influential lawyer to solve the problem. The society is well aware of the need to solve this fundamental problem to prevent the consequences. However, this relationship is non-operational due to a lack of experience in contacting a professional lawyer. The need for educational and judicial organizations to handle this form of discourse has grown unavoidable in recent years, as language analysis methodologies have gained prominence and expanded throughout society. Since observance of professional ethics is not specific to certain jobs and emphasizes the need for public reference, in order to achieve the minimal justice in the society, the duties of law enforcement agencies and observers, using new managerial methods, have been considered by the legislature. The physician's, judge's, and lawyer's adherence to the oath is a good predictor of management efficiency which plays a decisive role in achieving the optimal goals. This article discusses the use of language analysis from a psychological and legal perspective in detecting the perpetrator and establishing the crime by the judge, as well as the lawyer's emphasis on the persuasive manner in addressing the psychological issues. This essay which is compiled using library method, with the expression of scientific linguistics, seeks to find out whether the gap in the theoretical ethics can be eliminated. As a result, educational, cultural, and judicial institutions require a unique system for drafting new regulations. The hope is that by acting in a metalanguage way, a change in the presentation of discourse will be achieved.

**Keywords:** linguistics, oath, judge, consultant, lawyer

## تأثیر شیوهی تحلیل زبانی در رفع دوگانه‌های قضاوت و وکالت

استادیار بخش حقوق موسسه آموزش عالی آپادانا، شیراز  
mjsami430@gmail.com

محمدجواد سامی

### چکیده

مراجعه‌ی حداکثری به محافل درمانی و قضایی مسئله‌ی اول مردم ایران است. پروسه‌ی دادرسی، درمانی و مشاوره‌ای با وجود شاخه‌های متعدد اجتماعی، حقوقی و با وجود قضاوت و وکلای متعدد پاسخ‌گویی به مراجعین را، کاری زمان‌بر کرده است. اطلاع‌ی دادرسی آفت بزرگ محاکم و مورد گلابه‌ی متقاضیان عدالت است. با مقایسه‌ی آمار تطبیقی کشورهای پیشرفته در فنون مشاوره و طب و حقوق به حجم کثیر مراجعه‌ی ایرانیان به این مراکز مشخص خواهد شد. بر همین اساس مراجعه‌ی تخصصی به محافل و محاکم و تعیین وکیل حقوقی یا جزایی در تسهیل امور بسیار کارساز خواهد بود. بهره‌مندی از مشاور مناسب و یا وکیلی توانمند برای حل این مسئله، امری ضروری است. فرهنگ جامعه، حل این معضل اساسی را برای پیشگیری از بروز مشکلات خود به‌خوبی واقف است، نبود تجربه‌ی لازم در مراجعه‌ی روشمند به وکیل مناسب مواردی را سبب می‌شود که این رابطه را غیرعملیاتی می‌کند. در سال‌های اخیر با شناخت شیوه‌های تحلیل زبانی و گسترش آن در میان جامعه، نیاز سازمان‌های قضایی و آموزشی را برای رویکرد این نوع از گفت‌وگو اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. از آن‌جا که رعایت اخلاق حرفه‌ای، مخصوص مشاغل معینی نبوده و نیاز مراجعه‌ی همگانی را تأکید می‌نماید، برای نائل شدن جامعه به عدالت حداقلی رعایت وظایف مجریان و ناظران قانون با شیوه‌ی مدیریتی جدید مدنظر قانون‌گذار بوده است. وفاداری به سوگند از طرف پزشک، قاضی و وکیل و نماینده‌ی مجلس شاخصه‌ی مناسبی برای تحقق مدیریت فرادستی است که نقش تعیین‌کننده در رسیدن به اهداف عالی داشته است. بررسی تحلیل زبانی از منظر حقوق، روانشناسی در تعیین مجرم و اثبات جرم توسط قاضی و تأکید وکیل بر روش اقناعی در رفع اتهام و رفع نگرانی روحی و روانی در بیمار، مطلوب مقاله‌ی حاضر است. این نوشتار که به شیوه‌ی کتابخانه‌ای تدوین شده در بیان زبان‌شناسی علمی به دنبال آن است که آیا خلأ موجود با اخلاق نظری بر طرف می‌شود؟ بر این اساس مراکز آموزشی و فرهنگی و محاکم دادگستری نیازمند سازوکاری متفاوت در تدوین آیین‌نامه‌ی نوین است. امید آن که با عمل به شیوه‌ی فرازبانی تغییر و تحول فراوان در ارائه‌ی شیوه‌ی گفت‌وگو به دست خواهد آمد.

کلیدواژه‌ها: زبان‌شناسی، سوگند، قاضی، مشاور، وکیل.

## مقدمه

امروزه در جوامع صنعتی با گستردگی و پیچیدگی مشاغل و حرفه‌های گوناگون و تخصصی شدن مشاغل، ملزومات و نیازمندی‌های متعددی به فراخور انتظار جامعه وجود دارد که این نیاز و انتظار تنها با آشنایی دانش و تخصص فنی و حرفه‌ای برآورده نمی‌شود. در نتیجه می‌طلبند، به مقتضای هر شغل و حرفه اصول اخلاقی مربوط به آن حرفه تدوین و با آموزش، به فرهنگ تبدیل گردد. به عبارتی بهتر است جایگاه دانش تخصصی در مراکز علمی مورد بحث و بررسی قرار گیرد. این بخش از اخلاق حرفه‌ای به معنای افزایش کیفیت و پیاده‌سازی و بهره‌برداری از دانش مربوطه از لوازم جانبی آن به شمار می‌آید. صاحبان مشاغل بر اساس تخصص خود نیازمند ارتباط و همکاری لازمی هستند که بتوانند به وسیله‌ی مهارت‌های مختلف با تکیه بر اخلاق کاربردی با یکدیگر روبرو گردند. این ارتباط با اشخاص متخصص و توانمند در قالب همکاری نقش آفرین می‌شود. این تعامل زمانی مؤثر و مفید واقع می‌شود که آموزش قضات دادگستری و مراکز مشاوره و کانون و کلا و مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی از شیوه قدیمی در هر سه قوه مجریه، مقننه و قضاییه خارج گردد. تربیت وکیل، دستیاران قضایی و قاضی در مراکز تخصصی مشترک حرفه‌ای و آکادمیک انجام شود. شیوه‌های زبان‌شناسی جدید در مراکز آموزشی، مشاوره و حقوقی متداول گردد. فاصله کلاس درس نظری در دانشگاه با بازار کار در جامعه حداقل گردد. در نتیجه زبان و کلام مراکز اجرایی چون دفاتر حقوقی، دادگاه و پاسگاه متفاوت خواهد شد. در یک فرهنگ‌سازی عمومی افراد غیرمتخصص چون لایحه نویس بی‌اطلاع و کارمند و کارشناس و منشی غیرمرتبط کارآیی لازم را از شیوه‌ی نوین به دست خواهند آورد. این گروه با آموزش نوین به روز شده و در ترفیع جایگاه خود اقدام خواهند نمود. در آموزش‌های کلاسیک یا سازمانی در ضمن خدمت یا بدو خدمت هر کس نقش خود را از پیش تعیین شده می‌یابد. بر این اساس کاربران در صورت اهمال و یا کم‌کاری در چرخه حرکت ناکارآمدی خود را نشان خواهند داد.

## سوال پژوهش

آیا وکیل در ارتباط با قاضی در جایگاه مساوی قرار داشته یا یک همکار شناخته می‌شود؟ آیا دستورالعمل منشور اخلاقی در مراکز اداری و مشاوره‌ای و آموزشی و محاکم قضایی ارباب رجوع محور است؟ برای ترفیع در سازمان‌های اداری تخصصی چه باید کرد که از شیوه‌های متنوع زبان‌شناسی استفاده گردد.

## ضرورت بحث

در سازمان‌های اداری به هنگام استخدام کارمند بر عنوان مستخدم بودن وی تأکید می‌شود. در حالی که در جریان انجام خدمت این عنوان نه تنها فراموش شده برای تنبیه ارباب رجوع خسته و معترض به وضع موجود که از شدت استیصال به کارمند مقابل خود با تندی برخورد کرده تا سه ماه حبس و جزای اشد را در نظر گرفته آن را به شکل ماده‌ی قانونی تصویب کرده و بالای میز کارشناس در ادارات نصب شده است. باور شده است که قاضی و وکیل دو بال فرشته عدالت‌اند. این رابطه باعث می‌شود که حقیقت سریع‌تر بر ملا شود. اگر وکیل در یک پرونده از شأن کافی

برخوردار باشد. نظام قضایی کشور سریع‌تر به اهداف خود خواهد رسید. این رابطه در رعایت حقوق بیمار در مقابل طبیب هم صادق است. آیا اطبا با گرفتن وجه طبابت و یا وکلا در اخذ وجه‌الوکاله پاسخ‌گوی مراجعین و ملزم بر رفع آسیب‌های احتمالی در طول عمل و یا طی دوران دادرسی می‌باشند. طرح این‌گونه مباحث زمانی ارزشمند خواهد بود که، تأثیری در کشف حقیقت داشته باشد. به‌طور مثال در امر قضا که با جان و مال و ناموس و آبروی جامعه سر و کار دارد، همگان از وکیل مناسب برخوردارند؟ متهم از وکیل در این جایگاه دقت در عمل، مطالعه‌ی دقیق پرونده، نظری جامع و آزادی اندیشه را انتظار دارد با این رویکرد وکیل می‌تواند جایگزین مناسب و مشاوره‌ی قدر در مواجهه با قاضی باشد. وجود مشترکات فراوان قاضی، وکیل، طبیب و نماینده‌ی قسم‌نامه‌ی شغلی، تعهد حرفه‌ای، تحصیلات تخصصی و باور به رفع مشکل ارباب‌رجوع است که باعث می‌شود موضوع عملکرد این مناصب مورد توجه ویژه قرار گیرد.

### پیشینه بحث

از آن‌جا که تحقق عدالت بدون قضاوت و وکالت در جامعه بی‌معنا است و سلامت جسمی افراد به عهده‌ی اطبا و سلامت روحی به روانشناسان واگذار شده است. با نگاهی به آثار گذشتگان محرز می‌گردد که این امور در زمان‌های دور هم احساس نیاز مخصوص به خود را داشته‌اند از آن جمله برخوردار بودن متهم از وکیل در قانون حمورابی به‌طور جدی مطرح شده است. از طرفی نیازمندی به وکیل در منشور کوروش که به آن اشاره شده است در کتاب اشعیا باب ۱۴ آمده که خداوند به مسیح خویش یعنی کوروش می‌گوید، من دست راست او را گرفتم. در استوانه چهل سطره بابل در بیان خصلت‌های کوروش سخن به میان آمده در این استوانه به نوعی از حقوق بشر صحبت شده است (شعبانی، ۱۳۹۴: ۱۰۲). لازم به ذکر است که از آن منشور به عنوان اولین اعلامیه‌ی حقوق بشر یاد می‌گردد. نقطه‌ی عطف تاریخی این بحث در انقلاب فرانسه (۱۷۸۹) اتفاق افتاد. با مهاجرت مردم اروپا به آمریکا و تشکیل ۱۳ ایالت در مهر و موم‌های پایانی قرن ۱۸ که به اعلامیه‌ی استقلال منجر شد این نظریه تأثیر خود را بجای گذاشت. در زمینه‌ی تحلیل و توصیف گفتمان دادگاه‌های حقوقی و کیفری ایران مقالات چندی نگاشته شده از آن جمله: مقاله‌ی توصیف و تحلیل شیوه‌های زبانی و فرا زبانی و کلا جهت اقتناع در دادگاه‌های علنی ایران نوشته آقا گل‌زاده و همکاران (۱۳۹۶)، از آثار مناسب در این زمینه، «کتاب علم و دین ایان باربور» است که به مسئله‌ی عدم تعمیم نتایج مشاهدات اشاره می‌کند (باربور، ۱۳۶۲: ۱۷۱) دکتر محمد مهدی کرمی (۱۳۹۸) در «کتاب مبانی فقهی اقتصاد اسلامی» بر نیازمندی نظریه‌پردازی در عملیات ذهنی تأکید می‌نماید. «آثار استفاده از وکیل در افزایش کارآیی قوه‌ی قضاییه» نوشته علی محمدیان و مالکی، «مقاله جایگاه وکیل و وکالت در گذر تاریخ» نوشته‌ی سمیرا امیریان از جمله مواردی است که در زمینه‌ی مباحث مقاله مطالبی را مطرح کرده‌اند. دکتر ناصر کاتوزیان در کتاب مقدمه‌ی علم حقوق (۱۳۹۵) اولویت اخلاق بر قواعد اجتماعی را تصریح می‌نماید. «مقاله‌ی مصونیت وکیل و آزادی دفاع»، نوشته‌ی جعفر منصوریان، «کتاب زبان‌شناسی قضایی»، آقا گل‌زاده، (۱۳۸۴)، «کتاب شیوه‌ی اقتناع داودی» (۱۳۹۲)، «بررسی فرآیند اقتناع در دادگاه‌ها» نوشته‌ی اسدی و همکاران مواردی است که در این زمینه احصا شده است. در این آثار تحلیل روابط افراد

به‌طور مستقیم مورد تحلیل و بحث قرار نگرفته است. بر این اساس تلفیق زبان و کلام در مجامع دانشگاهی و آکادمیک از دو منظر علمی و اجرایی مد نظر مقاله‌ی حاضر است.

## ۱- مفاهیم متناقض

کلمه‌ی اخلاق از واژه خلق با فتحه‌ی حرف اول به مفهوم رفتارهای ظاهری و با ضمه‌ی حرف اول به رفتارهای درونی انسان معنا شده، همین کلمه از باب خلق یخلق نیز به معنی سرشت آمده و در کتاب لغت به خوی و طبیعت ترجمه شده است (ابن منظور، ۱۴۱۶: ۸۶). علم اخلاق به غرایز و ملکات روحی و باطنی که در انسان وجود دارد اطلاق می‌شود، عده‌ای از دانشمندان آن را علم قلمداد نکرده و به مجموعه رفتارهای ظاهری انسان اخلاق می‌گویند و آن را فضل دانسته و مجموعه رفتاری را فضایل می‌نامند. عملی را اخلاق گفته‌اند که به کردارها و رفتارهایی ناشی از این خلیقات منتج گردد، رسیدگی کند. چگونگی ارتباط با صفات و ملکات نفسانی را در این فرایند، اخلاق یا رفتار اخلاقی گویند (مطهری، ۲۲: ۱۳۶۰). با نگاهی به ترجمه‌های فوق برداشت‌های متناقض را در میان مطالب مطرح شده به خوبی حس می‌گردد. مؤثرترین موضوع در این فرآیند نگاه قانون‌گذار به روابط اخلاقی قاضی و وکیل است. به‌طور طبیعی نگاه اخلاق‌مدار به روابط قاضی و وکیل در عرف عام و خاص مورد نظر انسان‌های صاحب‌فکر می‌باشد.

خصیصه‌ی اصلی اخلاق انجام کار بدون تکلف است که جزء سرشت شخص قرار گیرد. ترجمه‌ی واژه خلق به فتح و یا خلق به ضم حرف اول، با یکدیگر تفاوت بسیار دارد. اولی رفتاری اختصاصی و مخصوص افراد معینی در جامعه است و دومی خصیصه‌ی اخلاقی ارادی، مخصوص دسته‌ی معینی نبوده و مفهومی عام دارد. خلق با فتحه معنی اختیار و اراده را در بر دارد (ابن منظور، ۱۴۱۶: ۸۸). که این معنای آخری در مقایسه‌ی با تعابیر قبلی از نظر مفهوم در نهایت غرابت است. با این تعابیر قاضی و وکیل به عنوان استوانه‌های عدالت بایستی دارای خصلت‌ها و سجایای اخلاقی هر دو مفهوم را دارا باشند البته وجود این خلیقات در همه‌ی اشخاص به طور یکسان و برابر وجود یا نمود بیرونی پیدا نمی‌کند. از آن‌جا که جایگاه وکیل در فقه و اخلاق از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. واژه‌ی تعهد اخلاقی می‌تواند هم‌زمان در بستر حقوقی و اخلاقی مورد نظر قرار گیرد. در حالی که برای قاضی با این معیار مورد سنجش قرار نمی‌گیرد. نکته‌ی مورد پرسش آیا این مفاهیم اخلاقی هستند که به خود شکل و لباس قانون می‌پوشانند یا بالعکس قوانین مصوب گرایش‌های اخلاقی را می‌پذیرند در حالی که هر دو نهاد ماهیت اجتماعی حقوقی و قانونی دارند که شکل اخلاقی به خود می‌گیرد. آن دسته از صفات اخلاقی که جزء سرشت شخص بوده و اجبار در آن نباشد در باور افراد نهادینه شده و در تمام مشاغل موضوعیت خواهد یافت، این عادت به عرف تبدیل شده و به آسانی در بستر رفتار و کردار اجتماعی جاری خواهد شد. در جامعه و عرف هیچ‌کدام از این افاضات علمی نه تنها کاربرد نداشته، که شاید به گوش مخاطبین علم حقوق ناآشنا و نامأنوس باشد.

## ۱-۱- تعامل قاضی و وکیل بر اساس اختلافات موجود

جایگاه قاضی و وکیل در بستر فقه، قانون و عرف شکل می‌گیرد. رابطه‌ی اخلاق با عرف، عموم و خصوص من وجه است. در بیان چگونگی این ارتباط است که رابطه قاضی و وکیل شکل می‌گیرد. با تأکید بر نظریه‌ی عموم من وجه در مقاله‌ی پیش‌رو برای حل مسئله کمک مناسبی است. زیرا این موضوع را در ساحت اخلاق حرفه‌ای، عرف و حقوق مدنی می‌توان بررسی نمود. مشکل اساسی در این‌گونه مباحث شناخت کاربران این حیطه‌ی رفتاری است. رابطه‌ی عرف با اخلاق حرفه‌ای، زمانی که طرفین با تحلیل زبانی و پدیده‌ی قضایی و یا حقوقی بیگانه باشند و اصول مربوطه را مدنظر قرار ندهند، عملی بی‌فایده خواهد بود. این دیدگاه بر شیوه‌های فرازبانی در گفتمان دادگاه در حوزه زبان‌شناسی حقوقی و چگونگی اقناع قاضی توسط وکیل تأکید می‌ورزد (آقاگل زاده، ۱۳۸۵: ۳۳).

اساساً روابط قاضی و وکیل در محاکم بایستی در فضای اخلاق حرفه‌ای صورت گرفته و به سمت تعالی سوق داده شود و پیش‌فرض لازم، وجود یک رابطه‌ی همکاری بین این دو حرفه است. در این شیوه بر روابط احساسی خط بطلان می‌کشد؛ زیرا این‌گونه از روابط حکایت از موضوع دیگری دارد و این تألیف وقتی به کار آیی رابطه‌ی قاضی و وکیل خواهد انجامید که تحلیل مناسبی از روابط فرازمانی در تلاقی فیزیکی و احساسی این دو بروز کند. قاضی به عنوان فصل‌الخطاب پرونده و در سایه‌ی استقلال امر قضا از حاشیه امن جلسات محاکمه سود می‌برد و وکیل برای محق جلوه دادن عمل موکل از شیوه‌های متعدد اقناعی بهره می‌گیرد. این دو عامل مؤثر و حیاتی کنش‌گران اجتماعی را بر آن داشته که علل بروز فاصله‌ی قاضی و وکیل را آسیب‌شناسی نموده عوامل ایجاد این ناکارآمدی را در دو سویه‌ی عدالت به خوبی شناخته و بدانند که چه زمان این ابزار شکسته و در چه وضعیتی منجر به تغییر خواهند شد. زبان‌شناسی حقوقی شاخه‌ای میان‌رشته‌ای است که از ۱۹۹۷ در اروپا و آمریکا شکل گرفته و در ارائه‌ی اسناد و شهادت در دادگاه به منظور کشف حقیقت استفاده می‌شود (آقا گل زاده، ۳۱: ۱۳۸۵). مراجع قضایی از یافته‌های زبان‌شناسانی امثال «هاولند و همکاران» (۱۹۵۳)، «ون لیوون»<sup>۲</sup>، «هاچ و کراس»<sup>۳</sup> (۱۹۹۶)<sup>۴</sup> استفاده می‌نمایند.

## ۱-۲- نقش سوگند در مشاغل طبابت و وکالت و قضاوت

هر حرفه و پیشه‌ای در نظام تجاری دارای اصول و مبانی خاص خویش است که صاحبان آن مشاغل بدان پایبند بوده و بر اساس آن عمل کنند. در نظام‌هایی چون مهندسی و پزشکی و قضایی عده‌ای به این نظریه قائل‌اند که این مشاغل در مجموعه صنوف متداول تجاری محسوب نمی‌شوند. برای سخن خود فلسفه و ادله‌ی معینی را هم بیان می‌کنند. از آن جمله خاص بودن این حرفه‌ها است و دلیلی هم که برای این مورد ارائه می‌کنند برخورداری از قسم‌نامه‌ای است که در بدو امر اشتغال (قضاوت) و یا فارغ‌التحصیلی (طبابت) و یا حین خدمت امثال نمایندگان مجلس و یا عضویت قانونی خاص مانند کانون وکلا است. صاحبان این مسئولیت‌ها را به تعهدی خاص بر اساس قسم‌نامه‌ای معین سوگند می‌دهند.

1. Hovland.  
2. Leeuwen & et al.  
3. Hatch.  
4. Cross.



علاوه بر این جهت نیل به این مناصب و جوه تخصصی مشخصی را هم باید احراز نمایند. به طور مثال کسب اکثریت آرای برای نمایندگان مجلس شورای اسلامی و یا کسب نمره‌ی برتر در آزمون وکالت و نیز طی دوره طرح در مناطق محروم جهت امر طبابت آنان را در شرایطی ویژه دسته‌بندی می‌کند و در جوه مشترک مورد شناسایی قرار می‌دهند این موارد را می‌توان این چنین برشمرد؛ ۱- تحصیلات تخصصی ۲- وجدان عمومی ۳- سوگند حرفه‌ای

سوگندنامه اساسنامه‌ی اخلاق حرفه‌ای است. شخص را ملزم می‌سازد به قوانینی که برای طیب، وکیل یا نماینده‌ی مجلس و قاضی لازم‌الاتباع است توجه کرده بدان سوگند ملتزم باشد. این پابندی صرفاً از نوع تعهد به قوانین عمومی نبوده بلکه جزئی از ملکه‌ی رفتاری در زندگی حرفه‌ای است. از ویژگی‌های این ملکه و عادت ارادی بودن و خروج از یک حالت عادی و ذاتی به یک صفت عقلانی برای اشخاص حرفه‌ای است که این عادی سازی وجه مشترک تمامی مشاغل خاص است.

ماهیت رسیدگی و صدور رأی و نظریه، خصوصاً در امور قضایی به تشخیص صحیح است که در نهایت منجر به صدور حکم می‌شود. با تکیه بر اخلاق حرفه‌ای در رسیدگی‌های قضایی به این موضوع باید توجه کرد که سوگند شخص متعهد غایت حرفه‌ای او محسوب می‌شود. در نتیجه تشخیص و صدور و استخراج حکم در یک موضوع بر جوه و اهداف دیگر غلبه و برتری پیدا می‌کند. این مسئله موجب می‌شود تا در جهت‌گیری و تعیین مسیر حرفه‌ای وکلا و اطبا و قضات ملاک اصلی قرار گیرد. تلاش در جهت تشخیص صحیح حکم در موضوع معین بر هر هدف دیگر چون استدلال و دفاع و نظر در یک پرونده مقدم است. سوگندنامه‌ی شخص در یک حرفه‌ی خاص از جمله وکالت و یا قضاوت و طبابت به منزله‌ی اساس اخلاق حرفه‌ای محسوب می‌شود که می‌تواند با الهام از آن مبانی یا مفاهیم عالی اصول اخلاق کاربردی با شخصیت حقیقی پزشک، قاضی و وکیل رابطه‌ی مستقیم داشته باشد و او را به یک رکن حقیقی یا حقوقی با اصول آرمانی والا در حرفه تبدیل کند. این رفتار در دراز مدت از صفتی خاص به ملکه ذهن تبدیل شده و شخص بدون تفکر و تأمل به آن عمل خواهد نمود.

### ۱-۳- نقش نماینده و کارشناس و وکیل در تحقق نیاز مراجعین

در روابط حرفه‌ای علم حقوق از نظر شکلی و ماهوی جنبه‌های مختلفی مشاهده می‌شود که مبنای عمل کار با آن حرفه قرار می‌گیرد. از طرفی زمینه‌های فرعی چون مسائل حقوقی و کیفری و رسیدگی به امور مدنی و جزایی در این مجموعه قرار می‌گیرند. این موارد به تناسب نقش هر حرفه آن را مجزا می‌نماید. از آنجا که قانون بر قراردادهایی چون مالکیت و حاکمیت استوار است و علم اخلاق بر حقوق طبیعی، مانند امنیت، آزادی بنا گردیده از این رو دایره‌ی اخلاق گسترده‌تر از حیطه‌ی قانون است. اخلاق، با تبدیل به سنت، قانون تدوین نشده است در حالی که قانون نوعی اخلاق مدون است. رابطه‌ی اخلاق با قانون مانند رابطه‌ی حقوق و فقه عموم و خصوص من وجه است. با نبود اخلاق در این رابطه مرگ حقوق محتمل است، هر چند بعضی از عالمان فقه تأکید بر عموم و خصوص مطلق بودن رابطه‌ی فقه و حقوق دارند. آنان با اصالت دادن به فقه جامعیت حقوق را تحت الشعاع قرار می‌دهند. گویی فقه را بر حقوق مقدم داشته و سابقه و انواع رشته‌های حقوقی چون حقوق بین‌الملل، اداری و عمومی را نادیده می‌گیرند.

موضوع تشخیص حکم و یاری رساندن در مسیر صحیح احکام خود امری است که نباید با موضوع دفاع از حقوق موکل مخلوط شود. با این توضیح که ممکن است در یک مسیر هم جریان شوند، هر چند ماهیت هردو از یکدیگر از لحاظ مقسم در موضوع واحد متفاوت است. از بدیهیات اولیه که هر پژوهشگر علوم اجتماعی بدان واقف می‌باشد این است که هر فرد در منصب قضا در وقت قضاوت با سه جنبه‌ی، جسم، روح و روان، به عنوان تأثیرگذارترین عامل معنوی مواجه است که این موارد خود شامل احساسات، اراده و هوش می‌باشند. این امور چنان دارای رابطه‌ی تنگاتنگ، عمیق و اثرگذاری است که آنان را در هم تنیده و این در هم تنیدگی در روابط اخلاق و فقه و حقوق خودنمایی می‌کند، با این تفاسیر دو مقوله‌ی قانون و اخلاق ناقض مصالح و غایت یکدیگر نیستند. بلکه هر کدام به نحوی در رسیدن به مطلوب اثرگذار و تسهیل کننده است.

#### ۱-۴- وظایف اطبا، وکلا و قضات در فقه، عرف و قانون

رعایت حقوق مادی و معنوی ارباب رجوع از اولیه‌ترین وظیفه‌ی مستخدمین در سازمان‌های اداری است. رعایت حق تقدم در جامعه کم‌ترین مطالباتی است که با استفاده از اخلاق حرفه‌ای در انجام وظایف مشاورین و معاضدین وکیل و قاضی در بستر فقه، قانون و عرف انتظار می‌رود. در ماده‌ی ۴ کنوانسیون پاریس، حمایت از مالکیت صنعتی و معنوی در رعایت حق تقدم مخترعین به طور صریح مورد تأکید قرار گرفته است (میرحسینی، ۱۳۹۷: ۷۰). این امور باعث می‌شود که ارباب رجوع انتظارات خود را از مسئولین امر به طور دقیق بشناسد تا مسئولین در مقابل آنان پاسخگو باشند. با این توضیح که شرع و قانون تکالیفی را بر عهده‌ی این افراد قرار داده است که در امور ماهوی و شکلی ایفای نقش می‌کند. عمل به مبانی اخلاق حرفه‌ای رنگ و بوی خاصی به مجموع عملکرد قاضی و وکیل و پزشک می‌دهد. روابط قاضی و وکیل از نوعی است که سازوکارهای مدرن در روابط قانونی، در کیفیت عملکرد این دو نقش تعیین کننده تأثیر چشم‌گیری را بازی می‌کند. در صورت رعایت نکردن آن، اصول هر کدام از این واژه‌ها نه تنها قدرت حداکثری خود را از دست می‌دهند، بلکه دیگر نقش کاربردی ندارند. در مورد طبیب با از دست رفتن اعتماد بیمار فرآیند درمان به کندی صورت می‌پذیرد برای نمونه دیدگاه مستقل در کتب فقهی در توصیف و کالت به معنی عام آن نیابت دیگران معنا شده است. از طرفی در مسائل شرعی از بحث و کالت در امور کیفری سخنی به میان نیامده و این مسائل کمتر ملاحظه می‌گردد، گویی مطرح نشده است (بلاغی، ۱۳۷۰: ۴۵). هنگامی که به ترمینولوژی لغات حقوقی در ذیل کلمه وکیل مراجعه می‌شود آن چنان با شور و شوق از آن سخن می‌گویند که غیر قابل توصیف است و در عرصه پهناور کلام هر روز سخنی جدید بدان می‌افزایند. در حالی که فقهای محترم هنوز در بند حجیت قول لغوی و یا انسداد باب علم و طهارت و نجاست آب مضاف و قلیل اند و بر اقوال هزاره گذشته مبانی خود را استوار می‌کنند. نمونه‌ی روشن این گونه موارد را می‌توان در وجوب تیمم در فقدان آب بیان کرد. لازم است برای یافتن آب از چهار طرف به مقدار پرتاب یک تیر در زمین ناهموار و دو تیر در زمین هموار به جستجو پردازند (مکی عاملی، ۱۳۸۹: ۴۸) و یا در استدلالی که در مناقشه‌ی زیر مشاهده می‌کنید. در روایتی از سمره بن جندب این مفهوم به دست می‌آید که اصول اخلاقی فراتر از حکم فقهی «الناسُ مُسَلِّطُونَ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ» می‌باشد. با الگوگیری از این متون می‌توان، سیره و سنت پیامبر و آموزه‌های



و حیانی حاکمیت فقه بر حقوق را مشاهده کرد. نقطه‌ی مقابل این رأی، چنانچه احکام عقلانی به عنوان مستقلات عقل عملی، حاکم بر استنباط فقهی باشند. تقدم حقوق بر اکثر احکام فقهی خواهد شد. علم اگر بی‌تحریک بماند به مثابه‌ی آب را کد به لجن‌زار تبدیل می‌شود. از قول پیامبر است که «آفت الدین ثلاثه فقیه فاجر امام الجایر و مجتهد جاهل» (کنز العمال، بی‌تا). بارزترین مصداق مجتهد جاهل نداشتن علم به روز و کارآمد است. در دنیای حقوق، حق کپی‌رایت را مسئله‌ی دیروز و حقوق معنوی را مسئله‌ی امروز و حل مسائل حقوق بین‌الملل را مسئله‌ی فردا می‌دانند، اما در آستانه‌ی قرن جدید شمس‌ی در کتب رساله‌ی عملیه، شاهد احکام تخلی و آب مضاف و قلیل و کر، بدون هیچ کم و زیاد از قرون گذشته می‌باشیم. این متون را وحی منزل دانستند و اجازه‌ی تغییر و تبدیل ندادند، که مصداق و یادآور قائلین به انسداد باب علم است. یا آن چنان که گروه معطله و مرجئه قائل اند تعطیل کارکرد عقل و یا اخباریون و خوارج و اباضیه با شعار حسبنا کتاب الله خود را بر جامعه تحمیل می‌کنند. دین، آیین و مسلک آفت مخصوص به خود دارد. دین را تحریف از بین می‌برد. بدترین نوع تحریف در حقوق ملت‌ها، عدم رعایت حقوق مالکیت معنوی و مجازی است. در اخذ نتایج حقوقی خلط مفهوم به مصداق و یا استفاده از قیاس باطل و مقایسه مع الفارق بسیار زیان‌بار است. مقصود از این مقاله به دست آوردن جایگاه وکالت و مشاوره به عنوان مشارکت و معاضدت قاضی در جایگاه یک همکاری مشترک است. تعریفی جامع از جایگاه قاضی و قضاوت و وکالت می‌تواند در قالب یک منشور قانونی صورت گیرد تا وظایف و تکالیف حقوقی قضاوت و وکالت در مقام بیان از منابع مدون به دست آید. آنگاه در حل مسائل اجتماعی مورد توجه قرار گیرد. علوم فقه‌ای از یک طرف و دست آورده‌های حقوقی از طرف دیگر مبنای منع، این منشور است که محور عمده و اساس عملکرد انسان در تنظیم روابط بین قاضی و وکیل بیمار و طیب قرار می‌گیرد. از جمله‌ی این مقارنت‌ها می‌توان به مصادیقی که در ادامه مطرح می‌گردد اشاره کرد. اولین مورد عنوان قاضی، تحکیم در منابع فقهی با مفهوم قاضی مأذون در حقوق، دوم قابلیت تجدیدنظر در حقوق و اجازه سرپرستی پدر، جد، وصی و حاکم در فقه، سوم قاضی تحکیم در فقه با شورای حل اختلاف در قانون، از اموری است که رابطه‌ی قضاوت و وکالت را به نحو روشن در ضرورت این ارتباط بیان می‌کند. در طبابت اجازه‌ی هرگونه عمل جراحی به روی مریض با سلب مسئولیت از طیب از مواردی است که با روح مسئولیت اجتماعی و حقوق فردی و جمعی انسان‌ها در تضاد می‌باشد. لازم به ذکر است که مشاور و طیب و نماینده، چون قاضی و وکیل بر اساس قسمی که یاد کرده‌اند هرگونه آسیب احتمالی ناشی از عملکرد خویش را باید بپذیرند.

## ۲- موانع پیش‌رو

بزرگ‌ترین مانع پیش‌رو در بروز دوگانگی‌های میان قاضی و وکیل تقسیم وظایف وکیل است. این تقسیم‌بندی در نگاه عرف، قانون و شریعت به صورت یکسان مطرح نیست. ماده‌ی ۲۳۶ قانون تشکیلات عدلیه، وکلا را بر دو دسته تقسیم می‌کند، وکیل رسمی و وکیل غیررسمی، این نگاه منشأ بروز مسائلی چند است. همین تفاوت را در بیان عناصر مادی و معنوی جرم می‌توان شاهد بود. دکتر محمدعلی اردبیلی در بیان عناصر روانی شرکت در جرایم عمدی را با غیر عمد مقایسه کرده و با استناد به ماده‌ی ۱۲۵ قانون مجازات قید عمدی بودن را در آن ماده الزامی می‌داند (اردبیلی،

۱۳۹۷: ۴۴). الزام به مفهوم شرط با قبول حجیت مفهوم شرط و یا عدم حجیت مفهوم شرط خود مسئله‌ای است که باید نزد صادر کننده حکم مبنای آن معین شده باشد. به‌طور مثال در این جمله «اگر کسی دارای مدرک لیسانس قضایی باشد می‌تواند قاضی شود» مفهوم مخالف این است که کسانی که دارای تحصیلات قضایی نیستند نمی‌توانند قاضی شوند (محقق داماد، ۱۳۸۵: ۷۴). نمونه دیگری از موانع درک کامل از داوری صحیح، قانون مصوب ۱۲۹۰ شمسی و الحاقیه‌ی ۱۳۳۵ است که دخالت وکیل در تمامی مراحل دعاوی کیفری را اجازه نمی‌دهد. از طرفی در فقه مواردی وجود دارد که در آن قاضی در مقام قضاوت از انجام آن امور منع می‌شود، به‌طور نمونه در دعاوی حقوقی تحصیل علم قاضی با ادله‌ی قانونی دیگر و یا در دعاوی کیفری مانند جرم زنا در این مورد مشخص علم قاضی نمی‌تواند مورد استناد قرار گیرد. به عبارتی این دوگانگی شخصیت حقوقی قاضی را به شخصی حقیقی تبدیل کرده وی را، به لحاظ بهره از اخلاق انسانی و نه اخلاق حرفه‌ای، در وضعیتی دوگانه، در مقام قضا قرار می‌دهد. این انتظار انسانی از قاضی در نوع رفتارهای اجتماعی وی را به وکیل نزدیک کرده در حالی که به لحاظ نگاه اداری تکالیفی دیگر را به عهده قاضی و وکیل قرار می‌دهد، گاه این امور متناقض آنان را به همکاری مکمل تبدیل می‌کند و گاه آنان را در مقابل یکدیگر قرار می‌دهد. در مواردی وکیل می‌تواند قاضی را از عمل به علم خود منع کند، مانند آن‌جا که سند رسمی در مقابل امارات قضایی قرار می‌گیرد و یا به استناد بند "د" ماده‌ی ۹۱ آیین دادرسی مدنی وکیل می‌تواند با درخواست از ریاست مجتمع قضایی قاضی را به منع رسیدگی پرونده وادار نماید. این امور متناقض را در اکثر حرفه‌ها می‌توان مشاهده کرد. در وظایف معلم و متعلم، ریاست اداره و کارمندان این دوگانگی وجود دارد. برای حل این معضل دیدگاه دکتر کاتوزیان قابل تأمل است. وی در رابطه‌ی حقوق و اخلاق، قایل به برتری علم اخلاق بر عادات و رسوم اجتماعی ثابت است و راه‌حل مقابله در بروز موانع را مراجعه به وجدان اجتماعی می‌داند (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۵۹).

### ۳- علل اختلاف

احکام دین تابع شرایط تاریخی است. دکتر محمد محمدی گرگانی از قول آیت‌الله منتظری و محقق داماد می‌گوید همان‌گونه که مرحوم اقبال معتقد بود احکام دین در چارچوب اهداف دین قرار دارد. احکام در قرآن جنبه‌ی طریقت دارد نه موضوعیت. دکتر عیسی ولایی در بحث طریقت و سببیت در این سخن که اماره از باب سببیت حجت است یا طریقت می‌گوید بنا بر طریقت اگر مکلف در روز جمعه به‌جای نماز ظهر نماز جمعه بخواند. معذور است (ولایی، ۱۳۸۷: ۲۰۲). بنا بر استدلال فوق احکام قرآن وسیله است نه هدف. اگر در اجرای حدود که هدف آن جلوگیری از جرایم است بتوانیم با وسیله دیگری غیر از تازیانه به آن هدف نائل شویم دیگر ضرب شلاق سالبه به انتفاع موضوع است. موارد همکاری در جریان رسیدگی و کشف حکم یک موضوع واحد است که قاضی و وکیل در هدف مشترک به دنبال آن هستند. وکیل تعهد به انجام امر وکالت دارد و حقوق موکل را طلب می‌کند. گاه قاضی از استیفای حق وکیل در شرایط اختیار جلوگیری به عمل می‌آورد. این‌گونه امور مربوط به مواردی است که از نظر قانونی مانعی در جهت محدود کردن وکالت نظیر رد دادرسی وجود نداشته باشد. این مسئله از بدیهیات امر قضا و وکالت است که قاضی نمی‌تواند بی‌دلیل از پذیرش وکیل سرباز زند. مطابق اصل ۳۵ قانون اساسی، دادگاه‌های عمومی و انقلاب در

مصوبه‌ی سال ۱۳۷۸ به طرفین دعوا حق داده تا برای خود وکیل انتخاب نمایند. در صورت عدم توانایی تهیه وکیل این موضوع به عهده‌ی دادگستری است تا شرایط آن را فراهم نماید. دکتر محمد مصدق در کتاب آیین دادرسی کیفری جلد اول می‌نویسد: لازم است متهم با تساوی کامل وکیل انتخاب کند و در ادامه این موضوع می‌افزاید در مواردی که مصالح دادگستری اقتضا نماید از طرف دادگاه برای متهم وکیل تعیین شود (مصدق، ۱۳۹۳: ۱۲۵). از مواردی که ممکن است فی‌مابین قاضی و وکیل اختلاف بروز نماید، به کارگیری فنون جدال در نوع استدلال است، یکی از جدال احسن، بهره می‌گیرد و دیگری به روش مغالطه چنگ می‌زند. در این گونه موارد است که اخلاق حرفه‌ای می‌تواند بدان ورود کرده و برای آن حکمی مشخص نماید. با این توضیح که جدال احسن می‌تواند از مواردی باشد که به قاضی و وکیل اجازه استفاده درست را نشان دهد و از خلط مفهوم به مصداق جلوگیری نماید و هر دو را از افتادن در ورطه خطا دور نگه دارد. لذا اکثر موارد اختلاف قاضی با وکیل حقوقی است نه اخلاقی. موارد اختلاف اخلاقی با نظر دادستان و ریاست مجتمع قضایی بر طرف و در موارد حقوقی ریاست مجتمع قضایی و در مرتبه‌ی بالاتر، دیوان ملاک رفع ابهام است. در اختلافات حقوقی، طرفین دعوا کانون و کلا با معرفی هیأت کارشناسی رفع ابهام می‌نمایند. و در اختلاف و یا شکایت از پزشک کمیسیون اخلاق پزشکی مستقر در سازمان نظام پزشکی و پزشکی قانونی مرجع حل اختلاف است. وکیل دادگستری با آگاهی از قوانین و شناخت نقاط قوت و ضعف نظام قضا می‌تواند هدایت صحیح جریان دادرسی را در جهت دفاع از متهم در دست گیرد (طه و اشراقی، ۱۳۸۶: ۱۹۷) تبیین ارتباط قاضی و وکیل در بستر اخلاق حرفه‌ای کمک‌کننده افزایش اعتماد، انگیزه و مشارکت و دلیل همکاری این دو حرفه به شمار می‌رود.

ایجاد شرایط مناسب برای رسیدن به ظرفیت بالا با استفاده از اصول اخلاق حرفه‌ای می‌تواند موجب ایجاد بستری جهت شناسایی حقوق و کلا و قضات نسبت به یکدیگر شود و این حقوق متقابل در سایه‌ی اخلاق حرفه‌ای شکل می‌گیرد. این وجوه مشترک اخلاقی و حرفه‌ای یکی از موارد متعددی است که از طرف قاضی و وکیل قابل انتظار است. وجود یک عادت نیکو در هر کدام از طرفین متوقف بر درک طرفینی و ملازم با رعایت شخصیت و احترام به اندیشه‌ی دیگری است. از سوی دیگر عمل به آن به صورت دوطرفه موجبات ایجاد، رفاقت و برقراری و استمرار را فراهم می‌کند. رسیدن به این مطلوب با مدیریت بهتر ملازمه دارد. هر کدام از طرفین که پیش قدم شوند، گامی اساسی در راستای تحقق و اعتلای آن برداشته‌اند. این مدیریت بایستی قبل از شکل‌گیری ارتباط و در مرحله‌ی سوگند و عمل به اخلاق حرفه‌ای به وجود آید بررسی و تبیین این شیوه فرازبانی می‌تواند مبنای مقاله‌ای دیگری قرار گیرد.

محور عمده‌ی مدیریت اخلاق حرفه‌ای اهرم اجرایی سوگندنامه قضات و وکلا را تشکیل می‌دهد و این موضوعی است که نباید از آن غفلت نمود. نباید این‌طور پنداشت که سوگندنامه امری صوری و برای شروع خدمت است و قبل از ورود به حرفه‌ی قضاوت و یا وکالت امری لازم و پس از اجرای تشریفات آن بدست فراموشی و کنار گذاشته شود؛ به عبارت دیگر همان‌طور که دستگاه‌هایی وجود دارند که وظیفه‌ی نظارت بر اجرای قانون را بر عهده دارند، لازم است نهادی با منشور معین در جهت نظارت بر اجرای مفاد سوگند وجود داشته باشد. از دیگر عوامل اختلافی نوع وظایف قاضی و وکیل است. مسند قضا ایجاد امنیت و جلوگیری از ارتکاب جرم و در واقع دفاع از حقوق مردم است

که ماهیتی جرم انگار دارد و مسند و کالت مناسب با همراهی متهم و غالباً با عینک انکار جرم توأم است. وکیل تلاش بر امحا و انکار و عذرخواهی دارد و قاضی اصرار بر اثبات جرم می‌کند. وکلا با استفاده از تبصره‌های قانونی سعی در برائت موکل و یا تخفیف مجازات دارند و قاضی منسوب به حکومت است و در محکوم کردن جرم متهم تلاش می‌کند در مقابل وکیل به طور شفاهی و با کمک تبصره سعی در اقناع قاضی دارد (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۹۵). وکیل با کم‌رنگ کردن مسئله و با جملات مجهول سعی بر پنهان‌سازی و قاضی با صلابت و تحکم سعی در دوری از فریب و اقناع می‌نماید. در نهایت تعامل و گفتگوی چهره به چهره و رو در رو از طرف وکیل به شیوهی اقتاعی ذهن قاضی را از تشدید مجازات دور می‌نماید. در پرتو این گفتمان کسی موفق است که از اصول و شیوه‌های مدرن تحلیل زبانی برخوردار باشد. علوم جدید و اسباب مدرن را فرا گرفته و از احساسی شدن اجتناب نماید. در این فرایند احتمال اصطکاک و برخورد لفظی و متهم کردن یکدیگر به عدم علم را هم نباید از نظر دور داشت و به آن بی‌توجه بود چرا که احتمال بروز این مسئله در گفتمان جلسه دادگاه وجود دارد.

#### ۴- نقش و جایگاه وکیل در پرونده

وکالت پیشه‌ی افرادی است که خود را در محاکم در معرض دفاع از متهم قرار داده‌اند سیسرون<sup>۱</sup> وکیل و فیلسوف سرشناس رومی، وکیل را چون قاضی قطع‌کننده اختلاف می‌داند (منصوریان، ۱۳۴۹: ۷). قانون مدنی ایران، وکالت را عقدی می‌داند که به موجب آن یکی از طرفین دیگری را برای امری نایب خود قرار دهد (ق.م. ماده ۶۵۶). برای نهادینه شدن فرهنگ مراجعه به وکیل، آمار نشان می‌دهد که در پرونده‌هایی که وکیل حضوری فعال دارد قاضی سریع‌تر به نتیجه می‌رسد (حسنی، ۱۳۸۱: ۲۷). با این پیش‌فرض که قاضی و وکیل همکار یکدیگرند، در محاکمی که وکیل در جایگاه ارباب رجوع قرار نگیرد و قاضی به وی به چشم یک همکار ننگرد معضلات پرونده افزون و اطاله‌ی دادرسی محتمل‌تر است. لوازم ارباب رجوع بودن وکیل چگونه فراهم می‌شود. نوع عملکرد وکیل ناآشنا به اصول حقوقی و رعایت نکردن حرفه‌های موقعیت‌شغلی و احساسی عمل کردن و طرفداری بیش‌اندازه از متهم باعث می‌شود که مدیریت مجتمع قضایی و ریاست دادگاه چنان‌که شایسته‌ی مقام و منصب وکالت است با وکیل مواجه نشوند. متأسفانه نظام حقوقی ایران برای تلقی جایگاه وکیل به ارباب رجوع، استثناهایی که در مواد قانونی مطرح نموده است و دست قاضی را برای دورنگ داشتن وکیل در تمام مراحل باز گذاشته است. مقاله‌ی حاضر از گفتمان زبان‌شناسانه دادگاهی سخن می‌گوید که در آن حوزه تأثیر عملی غالب مطرح باشد نه صورت‌ظاهری و شکلی محاکم؛ که اغلب خالی از محتوی گفتمان است. باور این است که با پیشرفت علم و تکنولوژی، دوره‌ی ارباب‌رجوع بودن وکلا پایان یافته و جا دارد که ضمن بهره‌وری از تکنیک گفتمان و دیالوگ از ابزار و نرم‌افزارهای صوتی و تصویری بروز استفاده شود.

#### ۴-۱- حق دسترسی وکیل در مراحل دادرسی

در مصوبه‌ی ریودوژانیرو: آمده است که سازمان‌های وکالتی باید آزاد و مستقل از دخالت یا نظارت قوه‌ی مجریه باشند (بند هفتم تصویبیه‌ی سال ۱۹۶۲ میلادی). قوه‌ی قضاییه در اعطای پروانه وکالت به افراد دخالت نداشته باشد. امر تفویض مسئولیت حقوقی وکلا را با حفظ استقلال نهاد وکالت به جامعه مدنی بسپارند (اسدی و حبیب‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۷۵) اصل ۳۵ قانون اساسی ایران حق داشتن وکیل حتی معاضدتی را پیش‌بینی کرده است (شهری، ۱۳۶۸: ۱۰۵) فرشته‌ی عدالت با دو بال وکالت و قضاوت قادر به پرواز است. نیمی از امضاکنندگان اعلامیه‌ی استقلال امریکا وکیل دادگستری بودند (قهرمانی، ۱۳۷۷: ۶۶). گاندی، نهرو و مصدق حقوق‌دان و وکیل بوده‌اند.

از جمله مواردی که در قوانین از حرفه وکالت نام برده شده دفاع از حقوق موکل است. این وظیفه با توجه به موارد پیش گفته، حقوقی را برای وکیل و بر ذمه‌ی قاضی ایجاد می‌کند. تکالیف بر ذمه‌ی قاضی و در حق وکیل ایجاد زمینه‌های دفاع از حقوق موکل را فراهم می‌کند؛ مثلاً حق دسترسی کامل به پرونده تا بدین جا مطرح است که قانون‌گذار از وجود این حق در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اصلاحی ۱۳۹۴ صحبت به عمل آورده است. البته مع‌الأسف با بیان یک استثنا مانند دیگر مواد قانونی این امتیاز بزرگ را به ورطه نابودی می‌کشاند. در همان ماده حضور وکیل را مقید به مغایرت با کشف حقیقت می‌نماید. نمی‌دانم این رسم شوم مقید کردن اصول و حقوق اجتماعی از چه زمانی مانند سرطان بر ارکان عدالت سایه افکنده تا آنجا که به خود اجازه می‌دهیم، عبارت بیگانه «ما مِنْ عَمِّ الْأَوْ قَدْ خُصَّ» را به مثابه کلیدواژه‌ای مقدس و راهکاری نهایی برای گریز از حقوق عامه و رعایت حریم خواص تلقی نماییم. در اکثر کشورهای پیشرفته حق دارا بودن وکیل از اولیه‌ترین مراحل دادرسی قلمداد شده و اجازه‌ی اضافه کردن واژه‌های خانمان‌سوز الا و مگر را مدونین و قانون‌گذاران نداده و نمی‌دهند.

سؤالی که مطرح است در این ماده کدام منازعه‌ی میان طرفین عامل مغایرت کشف حقیقت می‌باشد؟ متأسفانه در این زمینه، قانون ساکت است و این مرحله از مواردی است که ضرورت عمل به اصول اخلاق حرفه‌ای را بیش از پیش نمایان می‌سازد. با گذر از سازوکارهای حقوقی و قضایی، وجدان و شرف تنها محکمه‌ای است که نیازی به قاضی ندارد. این وجدان عمومی اشخاص است که تکلیف را روشن می‌سازد و بدان نظام و جهت می‌بخشد. همان‌گونه که متذکر شدیم، وجود این وجدان از ابتدایی‌ترین اصول و مقدمات علم حقوق است که دکتر کاتوزیان به آن اشاره می‌کند، وی وجدان اجتماعی را از عرف و عادت ثابت و رسوم اجتماعی برتر می‌داند (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۶۰) تا مبدا برخلاف صداقت عبارت مغایرت با کشف حقیقت معنا شده و به کار رود. از طرف دیگر فراهم کردن دفاع از حقوق موکل حقی بر ذمه‌ی قاضی است که به وکیل تفویض می‌گردد. آنگاه وکیل بر اساس صداقت و راستی دفاع از حقوق حقه‌ی موکل را به عهده می‌گیرد. تا این شرایط مهیا نشود، وکیل نمی‌تواند در مسیر اثبات حق موکلش گام بردارد.

این حق قاضی است که به اشتباه انداخته نشود. از این رو با استدلال منطقی و علمی به وسیله‌ی وکیل، در قرار گرفتن صحیح مسیر به قاضی کمک شود و به عبارت دیگر قاضی و وکیل در کنار یکدیگر قرار گیرند و نه در مقابل هم. این کمک و معاضدت قاضی و وکیل است که می‌تواند از بروز ضررهای فاحش و جبران‌ناپذیر جلوگیری نماید. دکتر



صادق زیباکلام در کتاب سنت و مدرنیته از بروز ضرر بزرگ در «قرارداد رژی»<sup>۱</sup> از قول حاج امین‌الضرب چنین می‌گوید: با انعقاد قرارداد رژی اقلاً دویست هزار نفر متضرر شدند (زیباکلام، ۱۳۸۲: ۳۱۹). تجارت توتون و تنباکو که شامل: کاشت، داشت و برداشت زارعین و خرید و فروش عمده‌ی تجار و پیله‌وران بود، در اثر انعقاد این قرارداد متضرر و عملاً بیکار شدند (نوذری، ۱۳۹۰: ۴۵). اگر اشکال شود تعهدات و کیل در بستر اخلاق نسبت به موکل تفسیر و اعمال می‌شود. چنانچه حق با طرف مقابل موکل باشد فی‌الواقع و کیل حق دارد به مثابه‌ی طبیعی دلسوز، متعهد و با وجدان عمل کند که در حقیقت این خود از لحاظ اخلاقی به نفع موکل است و اینجاست که ضرورت بازنگری مفهوم دفاع از طرف و کیل بیش از پیش لازم و جلوه‌گر می‌شود. و کیل ابزار نظارت بر قوه‌ی قضا است. از تضييع حق متهم جلوگیری می‌کند (خزانی، ۱۳۷۷: ۱۳۰). و کیل با دانش حقوقی و تسلط بر قوانین باعث قوت قلب، رفع اضطراب و ایجاد اطمینان خاطر متهم و کمک‌کننده به اجرای قانون است (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۷۷: ۱۱۰). و کلای مجلس شورای اسلامی و شورای شهر و روستا از این قاعده مستثنی نبوده و بر اساس عهد و میثاقی که با موکلین خود بسته‌اند لازم است به این اصول عمل کنند.

این‌ها مواردی است که از بطن اخلاق حرفه‌ای بر می‌آید و ماهیتاً وظایفی است که بر ذمه‌ی قاضی و وکیل و مشاور و نماینده نسبت به یکدیگر قرار می‌گیرد اما به دلیل فقدان ضمانت اجرا ظاهراً از مطالب اخلاق حرفه‌ای به‌شمار می‌آید و در معنا فراموش می‌شود.

وکیل با مطالعه‌ی علمی و دانش حقوقی قاضی را ارتقا می‌دهد و در تعامل مستقیم با قاضی نقش مؤثری در محکمه دارد (باقری نسب، ۱۳۹۳: ۳). محاکم و محافل حقوقی و ارشادی می‌توانند به منزله‌ی کلاس درس برای آموزش مراجعین و کار آموزان باشد. چنان‌که در مواجهه‌ی با پلیس و در مطب پزشکی بر فرهنگ رعایت مقررات و بهداشت افزوده شود. اگر هر دادگاهی حتی ویژه‌ی روحانیت حق گرفتن وکیل را از متهم سلب کند حکم صادره فاقد ارزش قانونی است (نیک‌نژاد، ۱۳۹۰: ۷). سلب یا عدم تفهیم و حق همراه داشتن وکیل به متهم موجب بی‌اعتبار شدن تحقیقات می‌شود (خالقی، ۱۳۹۳: ۶۵). تلاش برای داشتن وکیل و حقوق تابعه به آن‌جا رسید که مهم‌ترین تحول در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به این صورت شکل گیرد "به‌محض آن‌که متهم تحت نظر قرار گرفت می‌تواند درخواست ملاقات با وکیل مدافع را داشته باشد، این ملاقات نباید بیش از یک ساعت طول بکشد" (فرهی، ۱۳۹۳: ۱۲۱). رعایت خردورزی و استفاده از عقلانیت از دیرباز در میان ملل متمدن خصوصاً ایرانیان وجود داشته است. در منشور بابل در خصال کورش او را عاقل و رئوف می‌نامد وی به عقل بیشتر از زور توسل می‌جست، حقوق ادیان و ملل دیگر را محترم می‌دانست. (شعبانی، ۱۳۹۴: ۱۰۳) حکمای ایرانی امثال ملاصدرا سهروردی و ملاهادی سبزواری شیوه خردورزی و عبور از ابرهای متعصبانه را تأکید می‌کردند. (سامی، ۱۳۹۷: ۱۲۰) حکیمان و فیلسوفان ایرانی دوری از قضاوت عجولانه را سرلوحه خویش قرار می‌دادند و معتقد بودند آتش به نور مبدل خواهد شد هر گاه به تدریج و با طی مراتب، امور صورت پذیرد، چنانچه مولانا می‌فرمود:

۱. قرارداد رژی یا قرارداد تالبوت قراردادی است که بین ناصرالدین شاه و جرالد تالبوت منعقد گردید و عامل اتفاقات بسیاری شد.



اندک‌اندک آب بر آتش بزن تا شود نار تو نور ای بوالحزن (دفتر اول مثنوی بخش ۷۲)

## نتیجه‌گیری

با رعایت اخلاق حرفه‌ای ایجاد انعطاف بین قاضی و وکیل، همچون بیمار و طبیب امری بدیهی است. این موضوع نباید با تعهداتی که این مشاغل در قبال دیگران دارند مغایرت داشته باشد. وجود نهادهایی چون طبابت، قضاوت و وکالت برای حل مشکل عمومی مردم از طرف مقنن پیش‌بینی شده هرگونه ایجاد مانع در این صورت نقض غرض خواهد بود. بر این اساس از ابتدا به لحاظ ضرورت رابطه‌ای بین پزشک و قاضی و وکیل و مشاور ایجاد می‌شود، روح حاکم بر قوانین از پذیرفتن هر نوع مسئولیت بدون ضابطه آنان را بر حذر می‌دارد.

اگر قاضی به دور از اخلاق حرفه‌ای از حضور وکیل ممانعت به عمل آورد، پزشک از رابطه‌ی محرمانه‌ی که عرف و شرع به او عنایت کرده تجاوز نماید و یا مشاور اسرار مریض را محفوظ ندارد. در این حالت گویی حکم حرمت قضاوت و طبابت و مشورت و وکالت را صادر کرده‌اند. کیفیت امور حقوقی در عملکرد دادگستری و درمان به نظام پزشکی و وکالت به کانون و کلابستگی دارد. رعایت اخلاق حرفه‌ای و قانون مداری شرط لازم اما شرط کافی نیست. اجرای انحصاری قانون ممکن است بتواند کمیت سیستم را تأمین نماید، اما نمی‌تواند پاسخ‌گوی تمام نیازها و انتظارات جامعه و افراد یک سازمان باشد. نهایت امر در رسیدن به کیفیت مطلوب با مشکل روبرو خواهد شد. با عمل به این اصول می‌توان به اجرای عدالت حداقلی دل‌خوش بود. التزام قولی و فعلی به اخلاق انسانی کمک‌کننده مسئله بوده و نظیر اخلاق حرفه‌ای متضمن اجرای صحیح قانون است. با رعایت این نکات رضایت‌مندی و رسیدن به سعادت در گرو عمل به اخلاق کاربردی و سایر موارد قانونی محقق می‌شود. آنچه قاضی و وکیل طبیب و مشاور در این برهه زمانی بدان سخت نیازمندند آموزش شیوه‌های تحلیل زبانی و کاربری آن‌ها در چرخه وظایف سازمانی آنان است.

## منابع

- ابن منظور. (۱۴۱۶ق). *لسان‌العرب*، بیروت: دار احیاء التراث عربی.
- اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۹۷). *حقوق جزای عمومی*، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- اسدی، فرشته و محمدجعفر، حبیب زاده. (۱۳۸۷). *مصونیت قضایی دادرسان و وکلای دادگستری در نظام حقوقی ایران*، مجله نور، ۳۸ (۴)، ۱۶۱-۱۸۳.
- آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان انتقادی*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- باربور، ایان. (۱۳۶۲). *علم و دین*، ترجمه‌ی: خرمشاهی، بهاء‌الدین، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- باقری‌نسب، تکتم. (۱۳۹۳). *حق متهم در برخورداری از وکیل*، آیین دادرسی جدید، ابهامات و خلأها، *ولین همایش ملی وکالت، اخلاق، فقه و حقوق*، میبد.
- بلاغی، صدرالدین. (۱۳۷۰). *عدالت و قضا در اسلام*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- حسینی، علیرضا. (۱۳۸۱). *علل اطاله دادرسی در سیستم قضایی ایران*، مجله وکالت، ۴ (۱۱)، ۲۳-۲۸.
- خالقی، علی. (۱۳۹۳). *نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری*، تهران: شهر دانش.
- خزانی، منوچهر. (۱۳۷۷). *فرایند کیفری: مجموعه مقالات*، تهران: گنج دانش.

- زیباکلام، صادق. (۱۳۸۲). *سنت و مدرنیته*، تهران: انتشارات روزانه.
- سامی، محمدا. (۱۳۹۷). *بررسی حیات فکری اجتماعی حکیم ملا هادی سبزواری*، رساله دکتری، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز.
- شعبانی، رضا. (۱۳۹۴). *تاریخ ایران*، تهران: موسسه انتشارات ندای تاریخ.
- شهری، غلامرضا. (۱۳۶۸). *حقوق ثبت*، جلد ۱، تهران: انتشارات گنج دانش.
- طه، فریده و اشرفی، لیلا. (۱۳۸۶). *دادرسی عادلانه*، جلد ۱، تهران: نشر میزان.
- فرهی، بابک. (۱۳۹۳). *بایسته‌های آیین دادرسی کیفری*، جلد ۱، تهران: طرح نوین اندیشه.
- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل. (۱۳۷۷). *فلسفه حقوق*، جلد ۲، تهران: دادگستری.
- قهرمانی، نصرالله. (۱۳۷۷). *مسئولیت مدنی و کیل دادگستری*، جلد ۱، تهران: انتشارات گندم.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۵). *مقدمه علم حقوق*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کریمی، محمد مهدی. (۱۳۹۸). *مبانی فقهی اقتصاد اسلامی*، تهران: سمت.
- متقی، علی بن حسام‌الدین. (۱۴۱۹ق). *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۸۵). *مباحثی از اصول فقه*، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مصدق، محمد. (۱۳۹۳). *آیین دادرسی کیفری*، تهران: انتشارات جنگل.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۰). *آشنایی با علوم اسلامی*، قم: انتشارات صدرا.
- مکی عاملی، جمال‌الدین. (۱۳۸۹). *لمعه دمشقیه*، ترجمه علی شیروانی، قم: انتشارات دارالفکر.
- منصوریان، جعفر. (۱۳۴۹). *نقش و کیل در اجتماع*، مجله حقوق و مردم، شماره ۱۹ و ۲۰، ۶-۱۰.
- مولانا، جلال‌الدین. (۱۳۶۳). *مثنوی معنوی*، به همت رینولد نیکلسون، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- میرحسینی، سید حسن. (۱۳۹۷). *مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت معنوی*، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- نوذری، عزت‌الله. (۱۳۹۰). *تاریخ جنبش‌ها و شورش‌های معاصر ایران*، شیراز: انتشارات نوید.
- ولایی، عیسی. (۱۳۸۷). *اصول فقه*، قم: انتشارات دارالفکر.